

۱. حجیت بر مبنای حق الطاعه شهید صدر

سوال: چطور حجیت قابل انفکاک از قطع است؟

جواب شهید صدر: اگر حجیت دائر مدار قطع بود، یعنی ما هر جا قطع به امری پیدا می کردیم موظف به انجام آن امر می بودیم، پس هر کسی هر کجا امری به ما می کرد ما مامور به انجام آن بودیم چون قطع به امر کردن آن شخص پیدا کرده بودیم و قطع هم که حجت بود پس باید انجام می دادیم.

در صورتی که ما وقتی قطع به امر مولا پیدا می کنیم حجیتش بر ما ثابت می شود و گردن گیر ما می شود نه هر قطعی، پس حجیت دائر مدار قطع نیست بلکه دائر مدار مولویت مولاست (انکشاف امر مولا).

پس موضوع منجزیت: مطلق انکشاف تکلیف مولاست

مراتب کشف: ۱. قطع ۲. ظن ۳. احتمال

پس طبق نظریه حق الطاعه دائره موضوع منجزیت خیلی گسترده شد و شامل ظن و احتمال هم شد.

سوال: حالا که دائره منجزیت گسترده شد آیا این حجیت همراه مولویت است به نحوی که به هیچ وجه قابل جدا شدن و اسقاط نیست؟

جواب: چرا قابل اسقاط است

توضیح: گفتیم این حجیت ناشی از مولویت مولاست یعنی ناشی از حقی است که مولا به گردن ما دارد پس کلام او منجز تکلیف است و موجود ذی حق می تواند حق خود را اسقاط کند.

مثال: مولا می گوید حق الطاعه من به گردن تو این است که چه قطع به تکلیف من پیدا کنی چه ظن و چه احتمال موظفی که تکلیف من را انجام بدهی ولی من بخشی از این حق را اسقاط می کنم. مثلاً اگر احتمال یا ظن به حکم پیدا کردی اهمیت نده و فقط در صورت قطع موظف به انجام هستی (رفع مالا یعلمون.....).

سوال دیگر: آیا مولا در رابطه با قطع هم می تواند چنین ترخیص و بخششی از حق الطاعه انجام بدهد؟ به عبارت دیگر آیا ترخیص در باب قطع هم راه دارد یا خیر؟

جواب:

مشهور: چنین ترخیصی در قطع راه ندارد.

شهید صدر: در مرحله ثبوت مولا می‌تواند، ولی در مرحله اثبات چنین ترخیصی نسبت به قطع ممکن نیست.

سوال: آیا ترخیص در باب قطع هم راه دارد یا خیر؟

مقدمه جواب: قطع یعنی چیزی که دارای مصلحت است آن هم مصلحت ملزمه، و اراده هم شده یعنی شوق مولوی اکید به آن تعلق گرفته (مولی هم حکیم است) و جعل هم کرده.

پس: قطع یعنی می‌دانم مولا با تمام وجود این مطلب را می‌خواهد.

جواب: چنین ترخیصی نمی‌تواند از مولا صادر شود، زیرا این ترخیص مقابل حکم قطعی و واقعی یا

الف) این ترخیص حکم واقعی است: که در این صورت می‌شود اجتماع نقیضین و این محال است زیرا از یک طرف مصلحت واقعی و ملزمه دارد و مولا شوق اکید به انجام حکم دارد، و از طرفی مصلحت واقعی ندارد و مولا شوق اکید به انجام همان حکم ندارد و این می‌شود اجتماع ضدین چون بین احکام خمسه تضاد وجود دارد، پس ما ترخیص واقعی مقابل قطع نمی‌توانیم داشته باشیم.

ب) این ترخیص حکم ظاهری است: یعنی مثلا حکم واقعی مولا وجوب است ولی ظاهرا حکم به ترخیص کند: این هم نمی‌شود زیرا حکم ظاهری حکمی است که (ما اخذ فی موضوعه الشک) و حال آنکه ما قطع به موضوع داریم و شکی نیست.

اگر هم بگوییم تعریف حکم ظاهری (خطابات تعین الایم من الملائکات) است، و مولا طبق علم غیبی که دارد می‌داند مکلفین غالبا اشتباه قطع پیدا کنند، و اتفاقا در همان مواردی که مکلفین قطع پیدا می‌کنند موارد ترخیص برای مولا مهمتر است لذا مولا می‌گوید: ای مکلف قاطع، حکم ظاهری درباره قطع شما ترخیص است (اذا قطعت بتکلیف الزامی حکمک الترخیص و الاباحه).

جواب شهید صدر: حتی طبق این تعریف حکم ظاهری (که تعریف خودمان است) هم نمی‌شود در مقابل قطع به حکم واقعی، حکم ظاهری ترخیص بیاید. زیرا این ترخیص مولا بیخودی که نبوده بلکه ترخیص جاد بوده یعنی تحریک عبد، و وقتی مولا می‌داند عبد قطع به حکم واقعی دارد و عبد می‌داند که مولا این قدر شوق به این حکم دارد و برایش مهم است که حکم واقعی هم کرده دیگر ترخیص برایش اهمیتی ندارد پس صدور چنین امری از جانب مولا امر لغوی است.

***نکته قابل توجه:** اینکه شهید صدر فرموده از اصل و اساس محال است ترخیص بیاید بلکه فرموده فایده‌ای ندارد و لغو است و مولا امر لغو انجام نمی‌دهد.

بخلاف مشهور که می‌گویند: حجیت از ذاتیات قطع است و قابل انفکاک نیست و قطع وقتی باشد محال است حجت نباشد، ولی شهید صدر می‌فرمایند حجیت از ذاتیات قطع نیست و قابل انفکاک هم هستند اما ثبوتاً، ولی اثباتاً و در مقام خارج چنین ترخیصی نمی‌شود چون عبد توجه به ترخیص نمی‌کند و ترخیص مولا لغو می‌شود.

از آنجایی که جزوه در حال ویرایش هست، لطفا ایرادات احتمالی را حتما اطلاع بدید

۰۹۱۲۷۵۸۸۶۲۴ @abdorreza۱۲۸ کانال حلقه ثالثه ۳ halqeh